

تحلیل شیوه بازنمایی اصلاح‌طلبان در گفتمان اصولگرایی؛ (مطالعه موردی مقالات روزنامه کیهان در خلال انتخابات اسفندماه ۹۴)

محمد اسکندری نسب^{۱*}

حمیدرضا جلالی‌پور^۲

چکیده

در جامعه سیاسی ایران اسلامی دو جبهه اصلاح‌طلب و اصولگرا شکل گرفته است. در جریان مبارزات انتخاباتی هرکدام از جبهه‌ها قصد دارند علاوه بر معرفی خود، «دیگری» را نیز به‌گونه‌ای بازنمایی کنند تا مناسبات قدرت را به نفع «خود»، تداوم بخشند. در انتخابات سال ۹۴، پس از پیروزی حسن روحانی، اصلاح‌طلبان فرصتی دوباره برای ورود به مناسبات قدرت یافتند؛ از سویی جبهه اصولگرایان برای اینکه بتواند مناصب قدرت را در قوه مقننه حفظ کند، در سال ۱۳۹۴ وارد مبارزات انتخاباتی اصلاح‌طلبان شدند؛ در این میان روزنامه کیهان، یکی از مؤثرترین و قدرتمندترین روزنامه‌های این جبهه بوده که به اعتقاد محقق، با رویکردی سوگیرانه، در خلال انتخابات ۱۳۹۴، در قالب مقالاتی به پوشش اخبار مربوط به اصلاح‌طلبان پرداخت. از این رو مقاله حاضر با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی قصد دارد تا شیوه بازنمایی اصلاح‌طلبان در روزنامه کیهان را با بررسی مقالات منتشره در یک ماه منتهی به انتخابات اسفند ۱۳۹۴، و سوگیری‌های این مقالات را آشکار گرداند. در این راستا با نمونه‌گیری نظری و هدفمند، شش مقاله به‌عنوان مراجعی جهت استناد انتخاب گردید. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که کیهان، اصلاح‌طلبان را با خصوصیتی همچون «دروغ‌گو»، «مدعی‌گر»، «فاقد تخصص»، «اهل طرب»، «جریان بد»، «لیبرال‌های غیرمسلمان» توصیف کرده است؛ از طرفی آنها را «اهل مسامحه و مدارا» دانسته که به‌دلیل عدم تغییر رویه تاریخی خود و درگیری با بحران هویت، از طریق «یارگیری» و استفاده از یاران به اصطلاح «قرضی»، وارد میدان رقابت شده‌اند. درنهایت اینکه آنها به‌وسیله ارتباط عوامل خارجی و تحت سلطه روحانی و حزب کارگزاران، بر آن شده‌اند تا با هتاک و «دید ایزاری به مردم»، با کاربست استراتژی‌هایی همچون «سیاسی‌بازی»، «سیاه‌نمایی»، «مظلوم‌نمایی» و «حاشیه‌سازی» در عرصه انتخابات حضور یابند.

کلید واژگان: اصلاح‌طلبان، بازنمایی، تحلیل گفتمان انتقادی، روزنامه کیهان، لیست امید،

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵ - 2019/09/27

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹ - 2019/12/20

۱- کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

eskandari.m1991@gmail.com

نویسنده مسئول:

jalaeipour@ut.ac.ir

۲- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اصلاح‌طلبان حاصل ترکیب نیروهای خط امام یا چپ اسلامی با گروهی که بعدها با انشعاب از جناح راست، کارگزاران نام‌گرفت، تشکیل شده است. نام اصلاح‌طلبی، بعد از پیروزی سیدمحمد خاتمی بر نماینده راست سنتی، یعنی علی‌اکبر ناطق نوری، به این نام خوانده شد. چند سال بعد با گشایش فضای سیاسی، گروه‌های نوپا نیز به جمع تشکل‌های قبلی اصلاح‌طلب پیوستند و جبهه هجده‌گانه اصلاح‌طلبان را تشکیل دادند. (نک بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۱). اصلاح‌طلبان پس از پیروزی در انتخابات دوم خرداد ۷۶ تا سال ۸۴ قوه مجریه (توسط سیدمحمد خاتمی)، و از سال ۷۹ تا ۸۳ قوه مقننه را در اختیار داشتند. گفتمان اصلاحات حول دال مرکزی «مردم» و با هدف ایجاد مردم‌سالاری «دینی» شکل گرفت. شعارهای محوری اصلاح‌طلبان همواره جامعه مدنی، قانون، مردم‌سالاری، آزادی و توسعه سیاسی بوده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). از همان ابتدا میان اصلاح‌طلبان با جناح رقیب که ابتدا راست سنتی و بعدها در شکل نوین خود، یعنی اصولگرایان، رقابت مداومی به‌وجود آمد. جناح رقیب اصلاح‌طلبان، به‌دلیل نزدیکی با اهرم‌های تأثیرگذار قدرت و نهادهای غیرانتخابی، همواره در پی به‌حاشیه‌راندن اصلاح‌طلبان از چرخه فعالیت‌های سیاسی و سمت‌های حکومتی بوده‌اند. اولین مواجهه جدی هسته اصلی قدرت با جناح اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس هفتم شکل گرفت؛ چراکه در مجلس ششم، اصلاح‌طلبان در قالب فراکسیون جبهه دوم خرداد با ۷۴ درصد نمایندگان در اکثریت بودند (فوزی و زارعی، ۱۳۹۶: ۸۸). مبارزات انتخاباتی مجلس هفتم در روزهایی آغاز شد که مجلس ششم در التهاب ناشی از تحسن و استعفا، رو به پایان بود و اصلاح‌طلبانی از جمله حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با دستاویز «رد صلاحیت گسترده» از شرکت در انتخابات و ارائه لیست امتناع کرده و انتخابات را تحریم کردند (نظری، ۱۳۹۵: ۲۱۴، نک اژدری، ۱۳۹۴)؛ تا جایی که شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد طی بیانیه‌ای اعلام کردند که نتیجه انتخابات را آزاد، عادلانه و رقابتی نمی‌دانیم (روزنامه همشهری، ۹ اسفند ۱۳۸۲). از سویی در سال ۱۳۸۴ با به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد به نمایندگی از اصولگرایان، حضور اصلاح‌طلبان کمرنگ‌تر شد؛ با این‌وجود، اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، شانس خود را برای رسیدن به مناسب قدرت آزمودند؛ این‌بار با کاندیداتوری میرحسین موسوی.

انتخابات سال ۸۸ که به‌زعم اکثر پژوهشگران، مناقشه برانگیزترین انتخابات پس از انقلاب بوده فضای سیاسی کشور را به‌شدت دوقطبی کرد. با پایان انتخابات و پیروزی دوباره محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور، اصلاح‌طلبان خود را پیروز انتخابات دانستند و موجی از اعتراضات ایجاد و سازمان‌دهی کردند. این عمل در گفتمان اصولگرایی به «فتنه ۸۸» معروف شد. نکته مهم در این

انتخابات، مفصل‌بندی و ورود معانی جدیدی همچون «فتنه» و «فتنه‌گر» به ادبیات سیاسی، خصوصاً در جبهه اصولگرایان بود. نتیجه این انتخابات، حاشیه‌رانی شدید اصلاح‌طلبان از تمامی مناصب حکومتی و حبس خانگی رهبران اعتراضات را به همراه داشت. در انتخابات سال ۱۳۹۰ یعنی مجلس نهم با به حاشیه رفتن گفتمان اصلاح‌طلب، تنها گفتمان تأثیرگذار در انتخابات، گفتمان اصولگرایی بود که به تعبیری انتخاباتی غیررقابتی که در نهایت به تشکیل مجلسی با اکثریت قاطع اصولگرا انجامید (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۳: ۲)؛ اما انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۲ برای اصلاح‌طلبان سرنوشت‌ساز بود. با انصراف محمدرضا عارف از حضور در صحنه انتخابات به نفع حسن روحانی و با حمایت گسترده سران اصلاحات، نتیجه انتخابات به نفع حسن روحانی رقم خورد. روحانی از ابتدای ریاست جمهوری، توسط جبهه اصولگرا که در دو دوره قبل از او در رأس قدرت بودند، مورد حمله و انتقاد قرار داد.

در این دوره تقابل دو جبهه، به دولت و مجلس محدود نمی‌شد، اصلاح‌طلبان که در انتخابات سال ۹۲ با پشتیبانی خود از حسن روحانی، پیروز شده بودند، این بار نه تنها خود را برای حضور در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۴ آماده می‌کردند، بلکه برای اولین بار به مجلس خیرگان هم توجه ویژه نمودند و نمایندگان خود را در قالب لیست امید به مردم معرفی کردند. در این انتخابات نیز در ابتدا اصلاح‌طلبان کثیری ثبت‌نام کردند که با رد صلاحیت مواجه شدند؛ در نتیجه عملاً اصلاح‌طلبان با نیروهای کمتری وارد کارزار انتخاباتی شدند؛ تا جایی بنا به گفته حسین مرعشی از سه هزار اصلاح‌طلب ۳۰ نفر تأیید شد، یعنی رد صلاحیت ۹۹ درصد اصلاح‌طلبان (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۴، کد خبر: ۳۳۸۹۹۹). با این وجود اصلاح‌طلبان در سراسر کشور لیست واحدی برای هر دو انتخابات اسفند ۹۴، یعنی مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری، ارائه کردند (فوزی و زارعی، ۱۳۹۶: ۹۳)؛ فهرستی با نام «امید» و در مقابل فهرست اصولگرا و منتقد دولت با نام «ائتلاف بزرگ اصولگرایان»؛ به طوری که «فارغ از شناخته‌شدگی و یا سوابق و گرایش‌های سیاسی»، نام برخی اصولگرایان هم در لیست امید ذکر شده بود و هم در ائتلاف اصولگرایان (برزگر، ۱۳۹۴).

در انتخابات هفتم اسفندماه ۱۳۹۴ با در نظر گرفتن شرایط پیش‌آمده برای این جبهه و با اغماض می‌توان گفت اصلاح‌طلبان پیروز میدان بودند. این انتخابات در حالی برگزار شد که به گفته وزیر کشور، با مشارکت بالای مردم (۶۲ درصد) همراه بوده است. نتیجه نهایی این انتخابات حاکی از آن بود که از مجموع ۲۹۰ نماینده منتخب ۴۲/۵۶ درصد اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا، ۳۶/۶۵ درصد اصولگرا و ۱۹/۴۰ درصد مستقل بودند (فوزی و زارعی، ۱۳۹۶: ۹۳).

بیان مسئله

رسانه‌ها در دنیای امروز به مقام رهبری شبکه‌های جهانی ارتقا یافته و سبب شکل‌دهی به اندیشه‌ها و تفکرات ما شده‌اند. در این باره ون‌دایک^۱ (۱۹۹۶: ۱۰) معتقد است «قدرت رسانه‌ها کنایه‌ای و مجاب‌کننده است، به این معنا که آن‌ها بیشتر قدرت کنترل ذهن بیننده و خواننده را دارند و نه مستقیماً رفتارهای وی». رسانه‌ها نه تنها خنثی نیستند بلکه به انجام وظیفه‌ای می‌پردازند که هم ایدئولوژیک و هم سیاسی است (ایزدی، سقایی‌بی‌ریا، ۱۳۸۷). در واقع عمل رسانه‌ها، «بازنمایی^۲ امور پنهان و نهفته یا باورها، ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌هاست؛ اما به‌منظور حفظ و تأمین اجماع و تظاهر به انتخاب آزاد، فعالیت‌هایش را پوشیده نگه می‌دارد یا ارزش‌ها و ساختارهای بنیادین را پنهان می‌سازد. ساختارهای بنیادین، همان ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها هستند که پنهان می‌مانند و درست و صحیح فرض می‌شوند و به‌بیان‌دیگر در گفتار روزمره و در قالب عقل سلیم^۳ اشاعه می‌یابند» (کرایپ، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

از آنجایی که نظام معنایی دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی، هویت خود را براساس غیریت^۴ (دیگرسازی) و تفاوت‌هایی که با نظام معنایی گفتمان رقیب ایجاد می‌کند به دست می‌آورد، رقابت این دو گفتمان سیاسی در عناوین خبری و متون خبری روزنامه‌های دو گفتمان می‌تواند رقابت برای تثبیت معنای دال‌های خاصی باشد. براساس نظریه تحلیل گفتمانی، گفتمان‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که ذهنیت سوژه^۵ را در راستای دو قطب «ما» و «آن‌ها» سامان می‌دهند. این دوگانگی به‌صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه نمایان می‌شود. «ما» برجسته شده و «آن‌ها» به حاشیه رانده می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

این مطالعه سعی دارد فضای رسانه‌ای را در آستانه انتخابات هفتم اسفند ۹۴، انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری مورد بررسی قرار دهد؛ در واقع هدف اصلی بازشناسی معانی و نشانه‌هایی است که از سوی رسانه‌های (روزنامه‌ها) اصولگرا به جناح اصلاح‌طلب در بازه زمانی قبل از این انتخابات نسبت داده شد. به عبارت دیگر، سؤال اصلی مطالعه حاضر این است که طی دهمین دوره انتخابات اسفند سال ۱۳۹۴ اصلاح‌طلبان در رسانه‌های وابسته به اصولگرایان چگونه بازنمایی می‌شوند و ایدئولوژی و گفتمان پنهان تأثیرگذار بر عمل رسانه‌های مورد بررسی، در انگاره‌سازی و بازنمایی اصلاح‌طلبان چگونه است.

-
1. Van Dijk
 2. Representation
 3. Common sense
 4. Antagonism
 5. Subject

چارچوب مفهومی

بازنمایی

در مطالعات فرهنگی بازنمایی عبارت است از معناسازی از طریق به‌کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیزی دیگر با هدف انتقال معنا. به تعبیری دیگر بازنمایی «فرایند ذاتی تولید و تبادل معنا بین اجزای یک فرهنگ است و این مستلزم به‌کارگیری زبان، نشانه و تصویرها برای بازنمایی چیزها است» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در مطالعات انتقادی و ارتباطی بازنمایی، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی تعریف می‌شود. آنچه ما واقعیت می‌نامیم خارج از فرایند بازنمایی نیست. بازنمایی یک نوع «دلالت‌کننده»، یا منعکس‌کننده واقعیت بیرونی و یا تصویری دست‌کاری شده‌ای از عینیت خارجی را به نمایش می‌گذارد. بازنمایی به معنای استفاده از زبان، برای بیان یک امر معنادار، نسبت به عینیت‌هاست؛ به تعبیر استوارت هال^۱ (هال، ۱۳۹۳: ۱۵) هویت فرهنگی در چارچوب «بازنمایی» شکل می‌گیرد.

به عقیده هال معناهایی که به واسطه نظام معنایی بازنمایی، تولید منتشر می‌شوند و پیوند تنگاتنگی با قدرت دارند. به عبارتی بخش عمده عملکردهای معنا ساز ارتباط تنگاتنگی با «دعوا بر سر نوعی از قدرت به نام قدرت فرهنگی دارند: قدرت تعریف کردن، قدرت معنا بخشیدن به چیزها». (هال، ۱۹۸۳: ۲۲)؛ آن‌ها معمولاً از طریق مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌زدایی، در خدمت تحکیم و تخریب مناسبات قدرت قرار می‌گیرند (هال ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹). در نتیجه بازنمایی با روابط قدرت درآمیخته است که در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی به تولید معنا می‌پردازد.

گفتمان و تحلیل انتقادی

نورمن فرکلاف^۲ از مفهوم «گفتمان»^۳ در سه معنای متفاوت استفاده می‌کند. گفتمان در معنای اول، «هم‌سازنده و هم‌محصول سایر پدیده‌هاست» که در انتزاعی‌ترین شکل خود به کاربرد زبان به‌مثابه کردار گفتمانی اشاره دارد؛ در معنای دوم، گفتمان نوعی کاربرد زبان در یک حوزه خاص است مانند گفتمان سیاسی یا علمی؛ و سوم که معمولاً در معنای انضمامی به‌کاربرده می‌شود گفتمان، اسمی قابل‌شمارش^۴ است (یک گفتمان، آن گفتمان، گفتمان‌ها) که به روش سخن‌گفتنی اطلاق می‌شود که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص معنا می‌بخشد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۸)؛ مانند گفتمان اصلاح‌طلبی، گفتمان اصولگرایی. به‌طور کلی گفتمان از نظر فرکلاف، به ساختن هویت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا کمک می‌کند. وی بر این نکته تأکید

1. Stuart Hall

2. Norman Fairclough

3. Discourse

4. count noun

دارد که کاربرد زبان در بطن روابط اجتماعی و فرایندهای اجتماعی محصور شده و صورت‌های زبانی نظام‌مندی هستند که در متن ظاهر می‌شوند (قجری و نظری، ۱۳۸۹: ۸۶). رویکردهای اصلی تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان را به‌منزله فاصله داشتن از داده‌ها در بطن امر اجتماعی، اتخاذ مواضع سیاسی شفاف و تمرکز بر خود اندیشی هنگام تحقیق در نظر دارند. همان‌گونه که در قبل گفته شد، پینکوک تحلیل انتقادی گفتمان را کشف و در نهایت رفع نابرابری اجتماعی می‌داند. فرکلاف دو هدف اصلی‌اش را چنین بیان می‌کند: یک کمک به «تصحیح این کم‌توجهی نسبت به اهمیت تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت»؛ و دو «کمک به افزایش هوشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد؛ زیرا که هوشیاری اولین قدم‌رهایی است». (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱) در نتیجه، تحلیلگران انتقادی گفتمان، خود را انتقادی^۱ می‌نامند چون اعتقاد دارند زبان عامل تولید، حفظ و تغییر نابرابری اجتماعی است، و وظیفه او کشف این نابرابری‌ها و افزایش هوشیاری مردم است.

روش مطالعه

رویکرد نورمن فرکلاف^۲، چهره شاخص و برجسته رویکرد انتقادی، نظریه و روش جامع‌تری نسبت به سایر نگرش‌های تحلیل گفتمان انتقادی ارائه کرده که تاکنون به‌طور گسترده‌ای برای تحلیل مطبوعات و رسانه‌های جمعی مورد استفاده قرار گرفته است (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۰۳). در مطالعه حاضر نیز از آن استفاده شد.

جامعه مورد مطالعه

پیش از انقلاب ۵۷ کیهان به‌نوعی بازتاب‌دهنده مواضع جریان چپ پیشرو در ایران بود و با انتشار چندین نشریه پرتیراژ جانبی، در کنار روزنامه اطلاعات به یکی از دو بنگاه مطبوعاتی ایران تبدیل شد (زردار، ۱۳۸۷: ۱۰۳). هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، این روزنامه به مالکیت بنیاد مستضعفان و جانبازان درآمد؛ سپس به یکی از مؤسسات زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و سرپرستی آن بر عهده نماینده ولی فقیه می‌باشد. پس از یک دهه از انقلاب اسلامی، با سرپرستی حسین شریعتمداری در سال ۱۳۶۹، کیهان به یکی از پایگاه‌های مطبوعاتی و بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های هسته اصلی قدرت و جریان محافظه‌کار (اصولگرا) بدل شد. در نتیجه در این مطالعه نمونه‌ها از سرمقالات روزنامه در خلال مبارزات انتخابات اسفند ۱۳۹۴، یعنی از اولین روزهای اعلام نتایج احراز صلاحیت نامزدها (بهمن‌ماه ۹۴) تا روز انتخابات، با استفاده از نمونه‌گیری عامدانه جمع‌آوری شده‌اند.

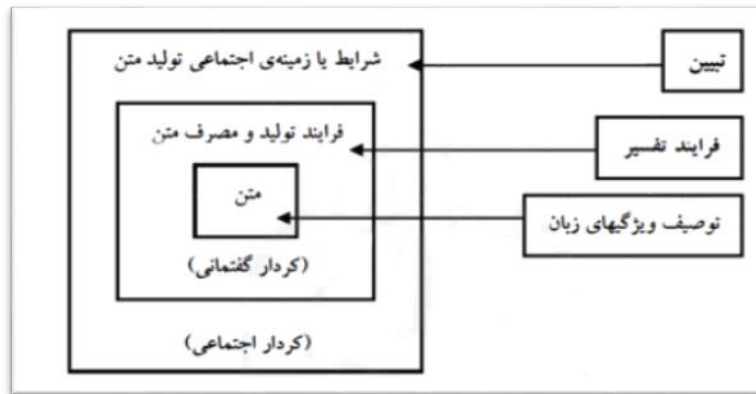
1. Critica
2. Fairclough

نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان مانند سایر روش‌های کیفی، عامدانه است (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۳)؛ و به درک پژوهشگر بستگی دارد؛ هدف در این نمونه‌گیری، گزینش متونی است که در آن فضای تخصصی و منازعات معنایی بین گفتمان‌ها نشان داده شود (همان: ۱۴۷)؛ در نهایت در قالب متون انتخابی می‌توان گفت که گفتمان‌ها، چگونه از متون انتخابی برای طرد و حذف یکدیگر، به جهت به استیلای نظام معنایی خود استفاده می‌کنند. معیار پایان کار در نمونه‌گیری، اشباع نظری است؛ یعنی کار نمونه‌گیری تا جایی ادامه می‌یابد که از آن‌پس نمونه‌های اضافی، کمکی به مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۹). در مقاله حاضر با بررسی روزنامه کیهان، مقالات منتشره در یک ماه منتهی به انتخابات اسفند ۱۳۹۴، با نمونه‌گیری نظری و هدفمند، شش مقاله به‌عنوان مراجعی جهت استناد انتخاب گردید.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای تحلیل گفتمان دستورالعمل واحدی وجود ندارد و هر رهیافت دستورالعمل خاصی را برای تحلیل، پیشنهاد می‌کند. هر کدام از رویکردهای تحلیل گفتمان در این مرحله براساس مبنای نظری خود به ما می‌گوید که در تحلیل گفتمان (در مفاهیم مختلف آن) چگونه باید عمل کنیم و چه مقولاتی را مدنظر قرار دهیم. فرکلاف تحلیل گفتمان را شامل سه مرحله تحلیل گفتمان، تحلیل کردار گفتمانی و تحلیل اجتماعی- فرهنگی می‌داند که عملاً شامل سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است.



نمودار ۱: مدل تحلیلی گفتمان انتقادی فرکلاف (آقاگل‌زاده و طارمی، ۱۳۹۵: ۳۹۹)

توصیف (تحلیل متن)

در الگوی سه مرحله‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۹۶) در کتاب «زبان و قدرت»^۱، «مرحله توصیف، پیش‌فرض مرحله‌های تفسیر و تبیین قرار دارد. در واقع هر رخداد ارتباطی، یک متن در نظر گرفته می‌شود و توصیف مرحله‌ای است که در آن به ویژگی‌های صوری متن پرداخته می‌شود. در این سطح نشان داده می‌شود که چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک میان متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود.» (آقاگل‌زاده و طارمی، ۱۳۹۵: ۳۹۸). فرکلاف برای تحلیل متن ابزارهای زیادی در اختیار محقق قرار می‌دهد تا با توجه به هدف و ماهیت مسئله، از آنها استفاده شود. در خصوص این مطالعه از آنجایی که مسئله بررسی شیوه بازنمایی گفتمان اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان در روزنامه کیهان است می‌توان از ابزارهایی که فرکلاف در کتاب «تجزیه و تحلیل گفتمان: تحلیل متن در پژوهش اجتماعی»^۲ ذیل عنوان «بازنمایی کنشگران (کارگزاران) اجتماعی»^۳ مطرح می‌کند، استفاده کرد. لازم به ذکر است وی برای بسط این ابزارها توصیه می‌کند که از الگوی تحلیل جامعه‌شناختی - معنایی ون‌لیوون^۴ (۱۹۹۶) استفاده شود (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۴۵) که در این مقاله پس از بازبینی و مطابقت با مقالات «یارمحمدی» (۱۳۸۱) و «حیدری تبریزی و رزمجو» (۱۳۸۴) به شرح زیر می‌باشند.

ذکر / حذف^۵: به علل مختلف گفتمانی، تمام کنشگران (کارگزاران) اجتماعی در گفتمان، به‌صورتی طبیعی و مستقیم تصویرسازی (بازنمایی) و به‌عبارتی به‌عنوان عاملین عمل ذکر می‌شوند (ذکر)، در برخی موارد نیز بنا به دلایلی ممکن است کارگزاری و یا تمام کارگزاران از تصویرسازی بسته به اهداف و منافع موردنظر تولیدکنندگان و بسته به مخاطبان در بازنمایی حذف شوند. بعضی از این حذف‌ها «بی‌غرض»^۶ هستند مانند جزئیاتی که فرض بر آن است خوانندگان متن از قبل بر آن واقف‌اند یا به آن‌ها مربوط نمی‌شود. حذف‌های دیگر آگاهانه و عمدانه در راستای خط‌مشی روزنامه (تولیدکننده متن) برای ایجاد تصور مورد نظر صورت می‌گیرد. به اعتقاد فرکلاف حذف کارگزاران اجتماعی به دو صورت زیر است (حیدری تبریزی و رزمجو ۱۳۸۴: ۱۴-۱۳).

1. Language and power
2. Analysing Discourse: Textual analysis for social reaserch (2003)
3. Representations of social actors
4. Van Leeuwen
5. Inclusion / exclusion
6. innocent

کتمان^۱: وقتی در بازنمایی هم کارگزاران اجتماعی و هم اعمال و رفتار آن‌ها حذف شود، اثری از حذف به‌جا نمی‌ماند و بازشناسی عامل عمل غیرممکن می‌نماید. به چنین حذفی همه‌جانبه و تمام‌عیار «کتمان» می‌گویند که در نتیجه آن هیچ‌گونه اشاره‌ای به کارگزاران اجتماعی مربوط در هیچ قسمتی از متن مشاهده نمی‌شود.

پس‌زمینه‌سازی^۲: گونه دیگر حذف، زمانی است که کارگزار اجتماعی در جایی از متن ذکر می‌شوند ولی اثراتی باقی می‌ماند که شناسایی آن‌ها را ممکن می‌سازد. این نوع که «پس‌زمینه‌سازی» نامیده می‌شود، عامل محذوف را می‌توان با اطمینان زیاد حدس زد و کارگزاران، بیش از آنکه با به حاشیه‌رانی به‌کلی حذف شوند، توجه از آن‌ها گرفته می‌شود.

ضمیر / اسم^۳: در این حالت سؤالی این است که آیا کارگزار از اجتماعی به‌صورت ضمیر (من، او، ما، تو، شما و غیره) یاد می‌شود و یا به‌صورت اسم؟ (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۴۵).

نقش گرامری^۴: آیا کارگزار اجتماعی به‌عنوان مشارکت‌کننده‌ای در یک قضیه (برای مثال کنشگر، کنش‌پذیر) یاد می‌شود یا درون یک رویداد (برای مثال در یک عبارت به‌جار و مجرور: او به‌سوی علی رفت) و یا به‌صورت یک مضاف‌البه یا به‌صورت ضمیر (دوست سارا، دوست‌مان)؟ (همان).

فعال‌نمایی/منفعل‌نمایی^۵: از نظر جامعه‌شناختی - معنایی اینکه چه کسی در بازنمایی یک عمل خاص، «عامل» است و چه کسی «پذیرنده»، یا به کارگزاران اجتماعی نقش «فعال» داده می‌شود یا «منفعل» اهمیت دارد. «فعال‌نمایی» عبارت است از حضور آن‌ها در بازنمایی به‌صورت نیروهای فعال و پویای درگیر عمل. از طرف دیگر در «منفعل‌نمایی» کارگزاران اجتماعی به‌نحوی بازنمایی می‌شوند گویی به عمل تن در نمی‌دهند یا آن را می‌پذیرند و به خود می‌گیرند. منفعل‌نمایی دو زیرمقوله دارد (حیدری تبریزی و رزمجو ۱۳۸۴: ۱۵):

۱- موضوع‌سازی^۶: کارگزار اجتماعی منفعل‌نمایی شده در بازنمایی موضوع و

هدف عمل قرار می‌گیرد؛

۲- سهیم‌سازی^۷: گروه ثالثی را به‌وجود می‌آورند که از نفع یا ضرر آن کارکرد

اجتماعی سهم می‌برند و تظاهرات زبان‌شناختی سهیم‌سازی برخلاف موضوع‌سازی معمولاً با حرف اضافه همراه می‌شود.

1. suppression
2. backgrounding
3. Pronoun / noun
4. Grammatical role
5. Activated / passivated
6. subjectsd
7. beneficialized

شخص / غیرشخص^۱: به‌طور کلی بازنمایی با اسم‌ها و کلمات در زبان ممکن است که دارای مؤلفه معنایی «+انسان» یا «-انسان» هستند؛ به‌عبارت‌دیگر چنان چه در تصویرسازی کارگزار به‌صورت انسان (نوع بشر) یعنی شخص جاندار بازنمایی شود در مقوله شخصی‌سازی یا انسان‌نمایی طبقه‌بندی می‌شود و چنان چه به‌صورت غیر انسان تصویرسازی شود در مقوله غیرشخصی یا غیر انسان‌نمایی. می‌توان مؤلفه‌های فرعی زیر را در نظر گرفت (همان: ۱۶-۱۷):

- ۱- **مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی**: اگر هویت فرد به هر نحوی مبهم بماند از نامشخص‌سازی استفاده می‌شود مانند ضمائر مبهم (هرکس، فلان، برخی و...).
 - ۲- **پیوندزدن و پیوندزدایی**: افرادی را پیوند می‌زنند که در ویژگی یا دیدگاهی مشترک‌اند.
 - ۳- **تفکیک‌کردن و تفکیک‌نکردن**: یک فرد یا گروه به‌صراحت از دیگر افراد تفکیک می‌شوند.
- نام‌بری/مقوله‌بندی^۲**: کارگزار اجتماعی از نظر هویت می‌تواند به دو صورت تصویرسازی شود یا براساس هویت خاص و منحصربه‌فرد خود که به آن «نام‌بری» اطلاق می‌شود که بر اقسام زیر است:
- ۱- «رسمی»، ۲- «نیمه‌رسمی»، ۳- «غیررسمی»، ۴- با توجه به رابطه «نسبی»؛ ۵- با توجه به «عنوان».

نوع‌نگری / جنس‌نگری^۳: از نظر فرکلاف وقتی کارگزاران اجتماعی طبقه‌بندی شوند آن‌ها می‌توانند به‌صورت نوع‌وار یا جنس‌وار بازنمایی شوند. برای مثال «دکترها» می‌تواند به گروه خاصی از دکترها (آنهایی که در یک بیمارستان خاص کار می‌کنند) یا به‌طور کلی به دکترها، همه دکترها اشاره داشته باشد (مثلاً: دکترها خود را در مرتبه خدایان می‌بینند) (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۴۶).

یافته‌ها

در این مطالعه براساس رویکرد فرکلاف، یافته‌ها در سه مرحله ارائه می‌شود. توصیف متن، تفسیر، تبیین.

مرحله توصیف متن:

در مقالاتی که به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت، کیهان خصوصیتی کلی برای اصلاح‌طلبان به‌کاربرده بود که لازم است به‌تفصیل با استفاده از راهبردهای تحلیل متن که در قبل آمد، مورد بررسی قرار گیرد. نظر به رعایت اختصار، به جمع‌بندی و ادغام تحلیل متون نمونه پرداخته می‌شود تا تصویری کلی از شیوه بازنمایی اصلاح‌طلبان نزد کیهان، با توجه به راهبردهای تحلیل متن، هویدا

1. Personal / impersonal
2. Named / classified
3. Specific / generic

شود. در ابتدا مقالات انتخابی به‌عنوان نمونه در این مطالعه به ترتیب لیست می‌شوند تا در ادامه برای ارجاع به هرکدام از شماره نمونه استفاده شود.

جدول ۱: مشخصات نمونه مقالات انتخابی

ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار
۱	دروغ بزرگ! حذف اصلاح‌طلبان از میدان رقابت.	۶ بهمن
۲	نامزدهای جریان‌ی که توان ملت را تولید آبگوشت می‌دانند به منافع ملی چوب حراج می‌زنند!	۱۷ بهمن
۴	خیز انتخاباتی اشرافیت / باز هم مردم زیر چرخ توسعه له می‌شوند!؟	۲۶ بهمن
۵	جای خالی آب‌ونان مردم در لیست حامیان دولت.	۴ اسفند
۵	رقابت داغ یک لیست اصولگرا با ۳ لیست اصلاح‌طلب.	۵ اسفند
۶	انتخاب خوب، انتخاب بد.	۶ اسفند

خصوصیات کلی اصلاح‌طلبان

جریان بد: مقاله‌ای که در آستانه انتخابات نگاشته شده «انتخاب خوب، انتخاب بد»، دقیقاً یک روز پیش از انتخابات، در متن آن بارها، با رویکرد جنس‌گرایی، از «جریان بد» یاد می‌کند؛ صفت بد (شر)، صفتی است که در باب چیزها، خواست‌ها، رفتارها ذکر می‌شود و فرهنگ دهخدا «دارای عیب و نقص؛ باکیفیت پایین؛ نامرغوب؛ هوای بد، اخلاق بد» یاد شده است. در مقابل این جریان بد «جریان خوب» قرار دارد که به‌وضوح منظور، جریان همسو با کیهان است.

دروغ‌گو: کیهان به‌صورت صریح ادعای ردصلاحیت‌ها را دروغی بزرگ می‌داند در مقاله «دروغ بزرگ! حذف اصلاح‌طلبان از میدان رقابت»، با موضوع‌سازی ادعایی که اصلاح‌طلبان مطرح می‌کنند بهانه خوبی می‌یابد تا با آن خصیصه‌هایی را برای اصلاح‌طلبان برشمرد و سعی دارد تا نشان دهد که این جریان بر مبنای دروغ بنا شده است؛ همچنان که در این مقاله می‌نویسد: «این ادعا چیزی جز یک دروغ بزرگ و قطعه‌ای از پازل طراحی‌شده آنان برای انتخابات پیش رو نیست.»

مدعی‌گری: به‌طورکلی کیهان تلاش دارد در تمامی مقالات خود، با بازی زبانی با دو کلمه ادعا و مدعیان، مثلاً در قالب «مدعیان اصلاحات» با راهبرد نام‌دهی عنوانی، به مخاطب بقبولاند که اصلاح‌طلبان همچون انسانی بی‌عمل و سراسر ادعای بی‌اساس می‌باشند که برای دستیابی به قدرت اهل تظاهر و ادعا می‌باشند و پس از دستیابی از ادعا و آرمان خود حتی اصلاحات دست می‌کشند.

فاقد تخصص: شیوه ذکر نام و نام‌دهی به‌صورت «حمیدرضا جلالی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب» در مقاله چهارم شیوه غیررسمی دارد چون کیهان از ذکر عنوان «عضو هیئت‌علمی» و «جامعه‌شناس» امتناع می‌ورزد و با کتمان این حقایق قصد دارد نشان دهد که جریان اصلاحات

ایدئولوگ علمی ندارد و به عبارت «فعال اصلاح‌طلب» بسنده می‌کند. همان‌گونه که در جایی دیگر به‌صراحت آنها فاقد تخصص خطاب می‌شوند. بدون برنامه اقتصادی مؤلف مقاله کیهان، با استناد به بینامتنیت و عباراتی که در بستر خاصی به‌وجود آمده‌اند قصد دارد بین جریان اصلاحات و برنامه اقتصادی «پیوندزایی» کند.

همچنان که در مورد فعالان اصلاح‌طلب مشاهده شد، شیوه «نام‌دهی غیررسمی» با نیتی مشخص همراه است و در همان مقاله، شیوه «نام‌دهی رسمی» در خصوص اصولگرایی همچون آقای «رضا روستا‌آزاد عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی شریف»، مؤید رویکرد نابرابر کیهان در بازنمایی هرکدام از کارگزاران اجتماعی در متن بود. در صورتی که نقل‌قول اقتصادی آقای روستا‌آزاد، با توجه به تحصیلات تخصصی در رشته مهندسی شیمی، «کتمان» شده، در نتیجه اعتبار سخنان وی تنها با شیوه نام‌دهی کیهان برای مخاطب مقبولیت یافته است. از سویی در مقاله پنجم وضعیت به‌گونه‌ای است که در مورد اصلاح‌طلبی همانند «صادق زیباکلام»، به ذکر نام بدون پیشوند بسنده شده و حتی از ذکر عنوان عضو هیئت‌علمی برای شخصیتی علمی نیز امتناع شده است.

اهل طرب: پیوند خوردن نام اصلاح‌طلبان، با ساز و آواز در عبارت «اصلاح‌طلبان حتی در گردهمایی‌های انتخاباتی خود نیز ساز و آواز را مقدم بر دغدغه‌های معیشتی مردم می‌دانند» و در مقاله چهارم طوری بیان شده که در برابر دغدغه‌های معیشتی است؛ از این رو با موضوع‌سازی این عبارت قصد دارد نگرش مردم‌مدار اصلاح‌طلبان را بی‌اعتبار جلوه دهد و ذهن مخاطب به این مسئله معطوف کند که آن‌ها اهل ساز و آوازند نه مردم‌مداری.

لیبرال‌های غیرمسلمان: عبارت «ما لیبرال دموکرات مسلمانیم» عبارتی است که از جانب حسین مرعشی در سال ۸۸ مطرح شد و کیهان با استفاده از بینامتنیت آن را دست‌مایه کرده تا همانند مقاله ششم، اصلاح‌طلبان را «لیبرال‌های وطنی» و «لیبرال غیرمسلمان» معرفی کند.

رویکرد سیاسی

از نظرگاه کیهان، در عرصه سیاسی کشور اصلاح‌طلبان برای نیل به مقاصد خود، رویکردی حزبی را دنبال می‌کنند و بازنمایی کیهان از آن، در قالب «کلیشه‌سازی»، به کلیت اصلاح‌طلبان نسبت داده شده و در قالب امری کلی، به تمامی افراد و احزاب تسری یافته، به شرح زیر بیان شده است.

اهل مسامحه و مدارا: آنجایی که کیهان اظهار می‌دارد اصلاح‌طلبان در پشت پرده با نامزدهای متعددی که تائید شده‌اند، مذاکره می‌کنند تا لیست‌های خود را تکمیل کنند و خبرها حکایت از تکمیل این لیست‌ها در روزهای آتی دارد. این خود نشان بر آن دارد که دایره دوستان اصلاح‌طلبان باز است و قدرت تعامل بالایی دارند و برای رسیدن به اهداف خود اهل مسامحه و مدارا هستند.

یارگیری: در سرتاسر مقاله دوم از کسانی سخن به میان می‌آورد که قصد ندارد به آن‌ها به‌صورت مشخص اشاره کند، ولی پرواضح است که روی سخن کیهان با کیست و از تیترا خبر «نامردهای جریانی که ...» مشخص است روی سخن وی با نامزدهای جریان اصلاح‌طلبی (لیست امید) می‌باشد. این کتمان کارگزار اجتماعی به‌صورت مغرضانه به این دلیل است که در این انتخابات کیهان نیز قبول کرده که نامزدهای جریان اصلاحات، الزاماً اصلاح‌طلب نیستند و از سایر جریان‌ها نیز یارگیری شده است.

بحران هویت و استفاده از یاران قرض: در آستانه انتخابات در مقاله پنجم، کیهان قصد دارد تا به‌کارگیری نمایندگانی از سایر جریان‌ها در لیست اصلاحات را موضوعی بدیهی بنماید؛ با این استدلال که موضوع یارگیری به‌صورت قرضی برای تکمیل لیست امید، ناشی از رکود و بحران هویت، همچنین تشتت آرا بوده هرچند این بحران بدین وسیله قابل‌رفع نیست. در آنجا اذعان می‌دارد که یارگیری از چهره‌های گمنام، حتی افراد نزدیک به اصولگرایان به‌جای نیروهای خودی متوسل شده‌اند که از زبان بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان (با فعال‌نمایی آنها)، دلیل این امر را «عدول قطعی از آرمان اصلاحات» اعلام می‌کند. به این دلیل که «شخصیت‌های اصلی جریان اصلاحات به نفع نتیجه‌گرایی، اصول را قربانی کرده‌اند».

عدم‌تغییر رویه از نظر تاریخی: نامزدهای جریان اصلاحات را به‌وضوح با مجلس ششم پیوند می‌زند و تمام اتهامات که به آن مجلس از دیرباز منتسب کرده است یکجا به نامزدهای این جریان نسبت می‌دهد. یکی از اهداف کلی مقالات کیهان، نشان‌دادن عدم‌تغییر رویه از نظر تاریخی در جریان اصلاحات است و اینکه در اعمال و رفتار این جریان تغییری رخ نداده است. کیهان این اتهامات را به مجلس ششم نسبت می‌دهد: «خروج علیه نظام، فساد و همکاری با مفسدان اقتصادی، دشمن‌گرایی، آمریکا‌هراسی، مصوبات ضدایرانی مجلس ششم، از کنگره آمریکا بدتر است، چون کنگره آمریکا از روی مجلس ششم کپی‌برداری شده است». واضح است که کیهان در چندین مقاله از طریق «سهیم‌سازی»، نامزدهای لیست امید را نیز در این اتهامات به‌صراحت سهیم کرده و این امر در مورد اعتدالیون نیز صدق می‌کند؛ چراکه این لیست در مقاله پنجم «لیست اصلاحات و اعتدال» ذکر شده است.

سیاست‌ها و استراتژی‌ها

مطالعه حاضر بستری را فراهم آورده تا بتوان از منظر کیهان استراتژی‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان را مشخص کرد. در جریان این انتخابات کیهان، استراتژی‌هایی را برای اصلاح‌طلبان قائل شد که هرچند کلی بودند ولی چشم‌اندازی کلی را بر مخاطب هویدا می‌ساخت.

قدرت‌طلبی: در مقاله چهارم معانی جدیدی برای جریان اصلاحات در پی داشت؛ تلاش برای رفع حصر عده‌ای فتنه‌گر، سیاسی‌بازی، پرداختن به اهداف حزبی، عدم آگاهی از دغدغه‌های مردم. این معناها به‌گونه‌ای باهم پیوند خورده‌اند که گویی تنها هدف این جریان منفعت‌خواهی، با بی‌توجهی آنها به تخصص‌گرایی این لیست می‌باشد. چرا که از «اصلاح‌طلبان که از دغدغه مردمی آگاهی نداشته و اهداف حزبی را در نظر گرفته‌اند بیش از این توقع نمی‌رود تا در لیست خود اقتصاددان نداشته باشند و از دلایل عمده این است که فاقد تخصص مربوطه هستند».

ابزارهای کار: کیهان در مقاله ششم تحلیل خود را از ابزارهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان چنین ابراز می‌دارد: عمل «حمله به ارکان نظام و آرمان‌های حضرت امام (ره)» که «با چاشنی مظلوم‌نمایی همراه است»، همچنین معتقدند برای اصلاح‌طلبان، استراتژی «خودمظلوم‌نمایی» پیش از انتخابات، برای کسب رأی است و پس از انتخابات، برای توجیه ناکارآمدی‌های خود از تخریب حریف استفاده می‌کنند. در نهایت ابزارهای کار آنها را چنین می‌داند: «سیاه‌نمایی»، «مظلوم‌نمایی» و «حاشیه‌سازی».

اصلاح‌طلبان و کارگزاران

موضوعی که در چندین مقاله کیهان مورد بررسی قرار گرفت بررسی رابطه اصلاح‌طلبان با کارگزاران بود که در این مطالعه یک نوشتار به‌عنوان نمونه سوم مورد بررسی قرار گرفت و رابطه این دو به‌صورت زیر بازنمایی شده است.

تحت سلطه کارگزاران: کیهان در مقاله سوم حضور کارگزاران را به «خیز اشرافیت» توصیف می‌کند و در ابتدای مقاله اظهار می‌دارد که کارگزاران که به اصلاح‌طلبان نزدیک‌ترند در این انتخابات قصد دارند اصلاح‌طلبان را مدیریت کنند و آنها را تحت سلطه خود در آورند؛ و در ادامه پا را فراتر گذاشته می‌گوید مدیریت اصلاح‌طلبان و رئیس‌جمهور و لیست امید به کارگزاران گره‌خورده است و طمع‌ورزی آنها برای قبضه کردن مناصب قدرت را به نمایش گذاشته است. معتقد است که مشخصاً اصلاح‌طلبان به چنان فلاکتی افتاده‌اند که حاضر به اطاعت از کارگزارانی‌ها شده‌اند. روی سخن متن با کارگزارانی‌هاست و قصد پس‌زمینه‌سازی مردم را دارد.

اصلاح‌طلبان و دولت

کیهان از ابتدای دولت یازدهم با تأکیدات فراوانی تلاش داشت اصلاح‌طلبان را قرین دولت روحانی بداند؛ اما سامان این ارتباط منازعاتی نیز بین این دو، بازنمایی شد که در ادامه آمده است.

دولت یازدهم به‌مثابه رحم اجاره‌ای: در نمونه پنجم شیوه نگاه اصلاح‌طلبان به دولت یازدهم به «رحم اجاره‌ای» تشبیه شده که جنس‌نگری می‌باشد؛ این اصطلاح خودساخته، برای نشان‌دادن

استفاده ابزاری جریان اصلاحات از دولت است که در این انتخابات در لیست امید متجلی شده است. کیهان اصرار دارد بر مسئله اتحاد و همدست شدن اعتدال و اصلاح‌طلبان تأکید نموده و پیوند این دو را امری بدیهی بداند. به عبارتی تأکید کیهان بر این موضوع است که اصلاح‌طلبان به دولت نگاه ابزاری دارند و به دنبال سهم خواهی از دولت هستند. ولی در نهایت همچنان بر اتحاد اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان تأکید دارد و آن را در یک هندسه سیاسی جای می‌دهد.

متحدان دولت: در ابتدای مقاله چهارم اولین عبارت گویای این است که مشخصاً جریان اصلاحات با حامیان دولت همدست هستند و برنامه‌ای برای رونق اقتصادی ندارند و در به‌وجود آوردن رکود اقتصادی سهیم هستند. لیست اصلاح‌طلبان به‌وضوح از سایر لیست‌ها تفکیک می‌شود تا عرصه را برای نقد این لیست فراهم و اتهاماتی را به این لیست و جریان اصلاحات نسبت دهد. وی معتقد است هدف انتخاباتی آن‌ها تنها همانند برجامی که مورد حمایت هردو طرف بود امتیازدهی محض و فعالانه به بیگانگان است که با دادن وعده‌های توخالی و واهی قصد دارند این اعمال خود را توجیه و راه را برای تحمیل برجام‌ها و معاهداتی جهت واگذاری منافع ملی باز کنند.

حسن روحانی اصلاح‌طلب است: در مقاله چهارم کیهان به‌صراحت می‌گوید «خبر ناخوشایندی برای رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب ایران، حسن روحانی و متحدان وی». این عبارت هویت بخشی به روحانی به‌عنوان یک اصلاح‌طلب است که در این انتخابات قصد همکاری با متحدان خود (اصلاح‌طلبان) دارد.

ارتباط با عوامل خارجی

کیهان برای بازنمایی چهره اصلاح‌طلبان با شیوه کلیشه‌سازی، اصلاح‌طلبان را غیرخودی‌هایی می‌داند که از خودی‌ها بریده و به غرب گراییده‌اند. این کلیشه‌ها آن‌چنان در مقالات کیهان (خصوصاً مقاله ششم) تکرار شده که طی فرایند «طبیعی‌سازی»، ارتباط آنها با عوامل خارجی امری بدیهی انگاشته شود. در ادامه اسلوب این بینش در عبارات زیر خلاصه می‌شود.

سرمایه اسرائیل در ایران: هنگامی که کیهان قصد دارد مشخصات اصلاح‌طلبان را برشمرد و به‌صراحت اعلام می‌دارد که «اما مشخصات این جریان کدام است؟ جریانی که نتانیاهو آن را «سرمایه اسرائیل در ایران» می‌داند.

مورد حمایت رسانه‌های بیگانه: کیهان ادعا دارد که «شبکه سلطنتی بی‌بی‌سی» و سایر رسانه‌های بیگانه چون مردم را به رأی دادن در این دوره ترغیب می‌کنند در نتیجه حامی اصلاح‌طلبان هستند. حمایت رسانه‌های بیگانه کیهان یکی از دلایلی که جریان اصلاحات را جریان بد می‌نامد این است که شبکه‌های بیگانه (بی‌بی‌سی فارسی) فعالانه از آن‌ها حمایت می‌کند و دلیل صحت این ادعا این است که جریان اصلاحات منفعلانه این حمایت‌ها را پذیراست. گفتیم که اجباراً

برای ابراز پایبندی ظاهری به قانون انتخابات (ممنوعیت تبلیغ انتخاباتی در روز قبل از انتخابات) از ضمیر «این» استفاده می‌کند هرچند پرواضح است که مقصود وی جریان اصلاحات است. **همنوایی با وهابیت:** «این جریان آن قدر تعلل کرد تا این که پدرجد تکفیری‌ها نیز از راه رسید و دیروز ضمن «مجوس» خواندن تمام مردم ایران و شیعیان، از آن‌ها خواست به آیات عظام جنتی، مصباح و یزدی رأی ندهند! ... حمایت چنین موجود پلیدی از یک جریان سیاسی و سکوت آن جریان، شرم‌آور نیست؟» با شیوه «پیوندزدن»، با بیان نظرات گذشته و حال وهابیون سعودی و اینکه سعودی‌ها به مخالفت با برخی نامزدهای اصولگرایی مجلس خبرگان پرداخته‌اند، به‌صراحت دیده می‌شود که کیهان قصد دارد سکوت جریان اصلاحات را به معنای رضایت و پیوند این جریان با وهابیت تلقی کند.

خشنودی از تحقیر خودی، خشم از تحقیر آمریکا: «مشخصات این جریان کدام است؟ جریانی که نتانیاهو آن را «سرمایه اسرائیل در ایران» می‌داند. جریانی که وقتی ۱۰ تفنگدار مسلح آمریکایی به آب‌های کشورمان تجاوز کرده و حافظان امنیت همین جریان، آن‌ها را مقتدرانه دستگیر و سپس آزاد کردند، به تقبیح سپاه پرداخته برای متجاوزان مرثیه‌سرایبی کردند. این جریان از تحقیر خودی خشنود و از تحقیر شیطان بزرگ خشمگین می‌شود. این جریان به جای کشور خود، فانی در خدمات و مصالح و منافع آمریکاست» متون، مشخصات هویتی بالا را با استراتژی «موضوع‌سازی» و «مشخص‌سازی»، برای جریان اصلاحات برمی‌شمرد که ناشی از رفتار دولت در جریان گروگان‌گیری سربازان آمریکایی در خلیج فارس و بازپس‌فرستادن آن‌ها می‌باشد.

جاده‌صاف‌کن آمریکا: شریعتمداری در سخنرانی خود در همدان که در نمونه دوم آمده به‌صراحت با هویت‌بخشی به شیوه «مشخص‌سازی»، در سیاست سلطه آمریکا، نقش «جاده‌صاف‌کن» برای سیاست‌های آمریکا را برمی‌شمرد و معتقد است که آن‌ها تشنه رابطه با آمریکا بوده و در مقابل آمریکا عکس‌العملی جز سازش ندارند.

اصلاح‌طلبان و مردم

در مقالاتی که از کیهان مورد بررسی قرار گرفت، موارد زیادی دیده شد که دیدگاه اصلاح‌طلبان به مردم و چگونگی تعامل این‌دو، بازنمایی می‌شد؛ تا حدی بود که در تیتیر مقالات نیز مشهود بود و می‌توان چنین برداشت کرد که کیهان با تکرار و استفاده از فرایند «طبیعی‌سازی»، قصد داشت موارد زیر را عنوان کند:

دید ابزاری به مردم: تیتیر مقاله دوم «نامزدهای جریانی که توان ملت را تولید آب‌گوشت می‌دانند به منافع ملی چوب حراج می‌زنند» گویای این است که جریانی در حال قوت گرفتن است که مردم‌مدار

نیستند و توانایی مردم را دست‌کم می‌گیرند ولی با این وجود در آستانه انتخابات چشم به رأی ملت دارند تا آن‌ها را برای حضور در مجلس انتخاب کنند.

هتاک نسبت به مردم: «توهین و تحقیر نگرانی مردم در خصوص معیشت در جناح اصلاح‌طلب سابقه‌ای به‌اندازه تاریخ تکوین این جناح دارد». کاربرد عبارت «توهین و تحقیر نگرانی مردم» در نمونه شماره چهار، به‌عنوان مبتدا در جمله نشان از تأکید و تصریح در بیان معنا دارد.

سطح تفسیر (کردار گفتمانی)

فرکلاف از مرحله تفسیر جهت نامیدن یک مرحله از مراحل تحلیل گفتمان انتقادی استفاده کرده است که «مرحله تفسیر، هم فرآیندهای مشارکین گفتمان و هم تفسیر متن را شامل می‌شود» (آقاگل‌زاده و طارمی، ۱۳۹۵: ۳۹۸).

وی در مرحله تفسیر به‌دنبال بیان این مطلب است که مفسرین چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر، نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند. به‌طور کلی، فرکلاف در مرحله تفسیر به بافت موقعیتی و نوع گفتمان و نظم گفتمانی اشاره می‌کند. در این مرحله، فرکلاف چند سؤال اساسی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۲):

ماجرا چیست؟

در روز آخر دی‌ماه ماه ۹۴، شورای نگهبان نتایج بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات مجلس دهم اعلام شد. از آن روز تا حتی روز پیش از انتخابات، کیهان نهایت تلاش خود را به کار بست تا چهره‌ای خاص از اصلاح‌طلبان بازنمایاند. ماجرای این تلاش‌های کیهان مربوط به این مسئله بود که اصولگرایان در انتخابات سال ۹۲، موفق ظاهر نشدند و حسن روحانی با حمایت قاطع اصلاح‌طلبان بر مسند ریاست جمهوری نشست. در انتخابات ۹۴، اصولگرایان تلاش داشتند تا علاوه بر نفوذ بر نهادهای غیرانتخابی، نفوذ گسترده خود را بر مجلس دهم، همچون گذشته، تداوم دهند؛ از این‌رو تمام ابزارهای رسانه‌ای و نهادی خود را به کار بستند تا چهره اصلاح‌طلبان را هرچه تیره‌تر بازنمایی کنند، بل خود بتوانند میدان‌دار بمانند.

چه کسانی درگیر آن هستند؟

در این ماجرا افراد زیادی درگیر مقالات کیهان بودند. گروه اول، هسته مرکزی جریان اصلاحات که بارزترین شخصیت‌های آن در دوران دولت اصلاحات و مجلس ششم حضور داشتند؛ گروه دوم فعالان اصلاح‌طلب در این انتخابات، خصوصاً شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، گروه سوم شخص حسن روحانی و دولتش؛ گروه چهارم نامزدهای جریان اصلاحات در این انتخابات که در قالب لیست امید به مردم معرفی شدند؛ هرچند تعداد قابل‌توجهی از این افراد اصلاح‌طلب نبودند ولی درگیر

بازنمایی کیهان شدند. البته کیهان در این فرایند، جریان اصولگرایی را نیز به‌عنوان عیار مقایسه، وارد منازعه کرده بود.

روابط میان آن‌ها چیست؟

هنگامی که این پرسش مطرح است بنا به مناسبات قدرت، فاصله اجتماعی و دیگر مواردی که در موقعیت موردنظر تعیین و تثبیت شده‌اند، باید با پویایی بیشتری به جایگاه‌های فاعلی نگریسته شود. در این انتخابات اصلاح‌طلبان به‌صورت جناحی در انتخابات شرکت داشتند. به‌این‌صورت که شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان بعد از اعلام نتایج احراز صلاحیت کاندیداها به این نتیجه رسد که ۹۹ درصد از نمایندگان این جناح ردصلاحیت شده‌اند. ازسویی رابطه حسن روحانی با شورای سیاست‌گذاری و سایر اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۲ شکل جدی‌تری به خود گرفت؛ در آن انتخابات نامزد اصلاح‌طلبان یعنی محمدرضا عارف به نفع حسن روحانی از کارزار انتخابات کنار رفت و تمام تشکیلات اصلاح‌طلبان از وی حمایت کردند. در نتیجه حسن روحانی که به‌زعم خود چهره‌ای اعتدال‌گراست، بر خود واجب می‌دانست که از اصلاح‌طلبان دفاع کند.

نقش زبان در پیشبرد این ماجرا چیست؟

در مقالات کیهان شاهد استفاده فراگیر از تکنیک‌های زبانی هستیم و کیهان با استفاده از امکانات زبان قصد دارد با استدلالی بسیار ابتدایی و ناموجه قضیه رد صلاحیت گسترده و حضور اندک اصلاح‌طلبان را نادیده بگیرد و فضا را علیه آن‌ها و به نفع اصولگرایان برگرداند؛ به این صورت که با پیش‌کشیدن خوانش خود از دوران اصلاحات، مجلس ششم و حوادث سال ۱۳۸۸ و اذعان به استراتژی‌های انتخاباتی خاصی برای اصلاح‌طلبان، ذهن‌ها را از حقیقت و آمارها دور نگه دارد. به‌عبارت‌دیگر، مثلاً با استفاده از بیناگفتمانیت «فتنه» و «فتنه‌گر» به توجیه غیرموجه نامناسب بودن آنها برای حضور در مجلس بپردازد. همچنین از روابط بینامتنی فراوانی هم از رهبر معظم انقلاب برای اثبات مدعای خود استفاده می‌کردند؛ چه اینکه با استناد به گزیده‌های هدفمندی از عبارات و سخنرانی‌های متون گذشته در راستای حفظ مناسبات قدرت برای جناح اصولگرایی می‌پرداختند. در قسمت‌های قبل، نشان داده شد که یک رسانه چگونه می‌تواند فرم خاصی از بازنمایی کارگزاران اجتماعی را طرح‌ریزی کند تا واقعیت را به‌گونه‌ای سوگیرانه بازنمایند.

سطح تبیین (کردار اجتماعی)

در تحلیل کردار اجتماعی هدف عمده، مشخص کردن ماهیت کردار اجتماعی که کردار گفتمانی بخشی از آن و پایه‌ای برای تعیین چرایی بودن کردار گفتمانی است، آن‌گونه که هست و تأثیرات کردار گفتمانی بر روی کردار اجتماعی، می‌باشد. فرکلاف در توضیح این مرحله بیان می‌دارد که: «تبیین، با توصیف گفتمان به‌عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و اینکه گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر ساختارها دارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). به‌طور کلی در این مرحله، محقق باید گفتمان را در چارچوب مبارزات و در بستر قدرت بررسی کند. فرکلاف این مرحله را در قالب سه جنبه در مورد یک گفتمان اصلی مطرح می‌کند (همان: ۲۵۰).

عوامل اجتماعی:

- چه نوعی از روابط قدرت در سطوح نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ عناصر اصلی که بر شکل‌دهی این متون تأثیرگذار بوده‌اند کینه‌ای است که کیهان و خصوصاً اصولگرایان از حوادثی دارند که سال ۸۸ رقم زد و ادبیات جدیدی را وارد عرصه سیاسی ایران کرد. در این دوره شاهد بروز این جبهه‌بندی هستیم که کیهان معتقد است افرادی (به‌طور خاص اصلاح‌طلبان) که در حوادث سال ۸۸ حضور و نقش فعال داشتند، حق حضور در عرصه سیاسی را ندارند. زاویه دید کیهان به اصلاح‌طلبان به‌عنوان فتنه‌گر، زمینه را برای سایر اتهاماتی که در این متون شاهد آن هستیم فراهم می‌کند. از طرفی رابطه نزدیک کیهان با اصولگرایان و نهادهای حکومتی مثل شورای نگهبان، کیهان را بر آن می‌دارد تا با حضور دوباره اصلاح‌طلبان و قوت گرفتن این جریان در عرصه سیاسی کشور به مخالفت برخیزد و به طرفداری از شورای نگهبان ادعای ردصلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان را «دروغ بزرگ» تعبیر کند.

ایدئولوژی‌ها:

- چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیت ایدئولوژیک هستند؟ کیهان یک از بارزترین رسانه‌ها و حامیان اصولگراست که با بودجه دولتی، با مدیرمسئولی حسین شریعتمداری که از سال ۱۳۷۲ این سمت را بر عهده دارد. روی سخن کیهان بالأخص با اصلاح‌طلبان به معنای عام است؛ بدین معنا و در تعبیری کلی، فرد یا گروهی که اصولگرایان غیرخودی بپندارند در ذیل گفتمان اصلاح‌طلب خواهد بود. حوادث ۱۳۸۸ نقطه اتکا و دستاویزی جدیدی برای اصولگرایان و کیهان بود؛ چیزی که کیهان به‌عنوان دانش زمینه‌ای قصد

دارد به خواننده منتقل کند این است که «اصلاح‌طلبان تاکنون همه راه‌ها را رفته‌اند» یعنی برای دستیابی به قدرت به هر کار صواب و ناصوابی دست زده و به هر طریقی قصد دستیابی به کرسی‌های مجلس را دارند.

تأثیرات:

- جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی اجتماعی و موقعیتی چیست؟ شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، با توجه به سابقه حزبی و بینش افراد، اصلاح‌طلبان تأیید صلاحیت‌شده را حدود ۳۰ نفر اعلام کرد؛ هرچند کیهان و اصولگرایان، هر فرد غیرخودی را طی فرایند غیریت‌سازی به غیر خود، همان جناح اصلاح‌طلب، نسبت می‌دهند. از این رو پس از رد صلاحیت‌های گسترده، اصلاح‌طلبان از استدلال‌های اصولگرایان قانع نشده و بدون اعتنا به این اتهامات به‌طور قانونی به شورای نگهبان مراتب اعتراض خود را رساندند، چه از طریق حسن روحانی، چه از طریق بیانیه‌ای که ۹ حزب و تشکل اصلاح‌طلب منتشر کردند مبنی بر اینکه «شورای نگهبان در رد صلاحیت‌ها تجدیدنظر کند» (وحیدیان، ۱۳۹۴، وبسایت روزنامه اعتماد). در ادامه انتخابات نیز این جریان با ارائه لیستی واحد، هر چند بقول کیهان با «یارگیری» از سایر جریان‌ها، از فعالیت جدی بازنیستادند.

- آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ این مبارزات در سطح اجتماعی و در فضای سیاسی بسیار گسترده و علنی بود به‌طوری‌که علاوه بر فعالان جناحی، حتی رئیس‌جمهور نیز در مصاحبه به این مبارزه دامن زد و تمامی روزنامه‌ها در این زمینه قلم زدند.

- آیا گفتمان یادشده نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری است یا خلاق؟ شیوه بازنمایی اصلاح‌طلبان در این مقاله به‌صورت کلی خلاق است چون صریحاً آن‌ها را برای مثال دروغ‌گو خطاب می‌کند. از سویی در بطن مقاله شاهدیم کیهان، با استعانت از آمار قصد داشت به‌صورت صوری اتهام خود را توجیه کند؛ و از طرفی یک سیاست انتخاباتی برای اصلاح‌طلبان قائل می‌شود که «از طریق سه لایه قصد حضور در انتخابات دارند» و قصد داشت استراتژی جریان اصلاحات را پیش‌بینی کند. درنهایت با توجه به سطح توصیف، می‌توان چنین نتیجه گرفت کیهان و اصولگرایان با رویکردی اگرچه خلاق، بلکه در پی تثبیت قدرت و دانش زمینه‌ای موردنظر خود، نسبت به اصلاح‌طلبان بودند.

- آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می‌کند؟ در سراسر این مقاله پیداست که بازنمایی کیهان در جهت حفظ روابط قدرت قصد دارد با وارد ساختن اتهامات قدیمی از جمله فتنه‌گر، دروغ‌گو، رابطه با مفسدان اقتصادی و ... به خوانندگان بقبولاند که این جناح صلاحیت حضور در عرصه سیاسی کشور را ندارد و با منفعل‌سازی جناح اصولگرا آن‌ها را مطهر از هرگونه نقصان جلوه دهد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با استفاده از راهبردهای تحلیل متن فرکلاف، مقالاتی از روزنامه کیهان را بررسی نموده، و تصویر بازنمایی‌شده از اصلاح‌طلبان را توضیح داده است. در خلال انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی کیهان با مطرح ساختن گزاره‌هایی همچون لزوم ردصلاحیت فتنه‌گران، دولت روحانی را زمینه‌ساز ثب‌ت‌نام و حضور گسترده اصلاح‌طلبان در این انتخابات معرفی کرد. جمع‌بندی تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کیهان، اصلاح‌طلبان را با خصوصیات و معانی همچون «دروغگو»، «مدعی‌گر»، «فاقد تخصص»، «اهل طرب»، «جریان بد»، «لیبرال‌های غیرمسلمان» توصیف کرده است؛ از طرفی آنها را «اهل مسامحه و مدارا» دانسته که به دلیل عدم‌تغییر رویه تاریخی خود و درگیری با بحران هویت، از طریق «یارگیری» و استفاده از یاران به‌اصطلاح «قرضی»، وارد میدان رقابت شده‌اند. درنهایت اینکه آنها به‌وسیله ارتباط عوامل خارجی و تحت سلطه روحانی و حزب کارگزاران، بر آن شده‌اند تا با هتاک و «دید ابزاری به مردم»، با کاربست استراتژی‌هایی همچون «سیاسی‌بازی»، «سیاه‌نمایی»، «مظلوم‌نمایی» و «حاشیه‌سازی» در عرصه انتخابات حضور یابند.

کیهان با توجه به ایدئولوژی خود، معناهایی را به مخاطبان القا می‌کند و دانش زمینه‌ای مخاطبان را نسبت به آن‌ها شکل می‌دهد. این معانی با استفاده از استراتژی کلیشه‌سازی که در نظریه بازنمایی‌ها آمده و با رویکرد بازنمایی برساختی، برساخته شدند. حال استراتژی کلیشه‌سازی را کنشی معناسازانه می‌داند؛ درواقع کلیشه‌سازی فرایندی است که براساس آن جهان مادی و جهان ایده‌ها در راستای ایده‌ها طبقه‌بندی می‌شود تا مفهومی از جهان را براساس باورهای ایدئولوژیک شکل دهد. استراتژی دیگر بازنمایی، طبیعی‌سازی به مثابه فرایندی است که طی آن بازنمایی جهان مادی به‌صورتی عرضه می‌شوند که طبیعی تلقی شوند. «طبیعی‌سازی، بازنمودهای ایدئولوژیک خاص را به‌صورت عقل سلیم درمی‌آورد و بدین‌وسیله آن‌ها را غیر شفاف می‌کند، یعنی به‌عنوان ایدئولوژی به آن‌ها نگاه نمی‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۰).

منابع

- اژدری، روح‌الله. (۱۳۹۴). *مجلس ششم از تقلب تا تحسن*. تهران: موسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ طارمی، طاهره. (۱۳۹۵). تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده‌ی بورسیه‌های تحصیلی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. *جستارهای زبانی*، ۶ (۳۴): ۳۹۱-۴۱۴.
- آهنگر، عباسعلی؛ سلطانی، علی‌اصغر؛ خوشخونزاد، امیرعلی. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصولگرا به خرده گفتمان‌های متحده پایداری و جبهه اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱ (۱۰): ۱-۱۵.
- برزگر، جمشید. (۱۳۹۴). ناگفته‌هایی شگفتی‌انگیز از نتایج انتخابات تهران. *وبسایت بی‌بی‌سی فارسی*. تاریخ انتشار: ۱۲ اسفند ۱۳۹۴، تاریخ بازنشانی: ۲۴ اسفند ۹۸، لینک کوتاه بازنشانی: <https://bbc.in/2U9lpZz>.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- حسینی پاکدهی، علی‌رضا؛ زردار، زرین. (۱۳۹۰). بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران: تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، ایران، رسالت، اعتماد، شرق و آفتاب یزد. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۳۴-۹۳.
- حیدری تبریزی، حسین و رزمجو، سید آیت‌الله. (۱۳۸۴). شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیلی توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۴۸ (۹۵): ۱-۳۴.
- خبرگزاری ایلنا. (۱۳۹۴). سیدحسین مرعشی: از ۳ هزار اصلاح‌طلب ۳۰ نفر تأیید شد/ردصلاحیت ۹۹ درصد اصلاح‌طلبان. *خبرگزاری ایلنا*، کد خبر: ۳۳۸۹۹۹، بازنشانی شده در: ۲۷ دی، ۱۳۹۴، ۱۸:۳۱، به نشانی (لینک کوتاه): <https://goo.gl/ZRbbNj>.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۳). *آرایش سیاسی مجلس دهم/ ناکامان انتخابات/ ریزش آرای چهره‌ها*. خبرگزاری مهر، بازنشانی در: ۱۱ اسفند، ۱۳۹۴، ساعت ۱۷:۳۴، لینک کوتاه بازنشانی: <https://goo.gl/4Vc2E5>.
- ذکایی، سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ۹ (۱۷): ۴۱-۶۹.

- روزنامه همشهری. (۱۳۸۲). درباره انتخابات. همشهری آنلاین، منتشره در شنبه ۹ اسفند ۱۳۸۲، سال یازدهم، شماره ۳۳۲۲، تاریخ بازنشانی: ۲۴ اسفند ۹۸، لینک کوتاه بازنشانی: <https://bit.ly/2WgVeTI>
- زردار، زرین. (۱۳۸۷). بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران: تحلیل گفتمان مقاله روزنامه‌های کیهان، رسالت، ایران، اعتماد، شرق و آفتاب یزد. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی. تهران: نشر نی.
- صفاوردی، سوسن. (۱۳۸۹). بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی (جنبه‌های حقوقی و سیاسی). مطالعات راهبردی زنان، ۱۲ (۴۸): ۳۴۰-۲۹۵.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قجری، حسینعلی؛ نظری، جواد. (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کرایب، یان. (۱۳۹۳). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگه.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی: ضد روش ۲. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نظری، منوچهر. (۱۳۹۵). رجال و مقامات تقنینی جمهوری اسلامی ایران (مجلس و شورای نگهبان، ۱۳۵۹-۱۳۹۵). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.
- وحیدیان، مریم. (۱۳۹۴). روحانی پیگیری می‌کند. وبسایت روزنامه اعتماد، بازنشانی شده در ۲۹ دی ۱۳۹۴، به نشانی: http://etemadnewspaper.ir/?News_Id=35480
- هال، استوارت. (۱۳۸۷). رمزگذاری و رمزگشایی در گفتمان تلویزیون، نظریه‌های ارتباطات. ترجمه گودرز میرانی. جلد چهارم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- هال، استوارت. (۱۳۹۳). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۱). تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۰-۱۱ (۸): ۱۰۵-۱۲۱.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: انتشارات هرمس.

یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

Fairclough, I., & Fairclough, N. (2013). *Political discourse analysis: A method for advanced students*. Routledge.

Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. Longman.

Fairclough, N. (2003). *Analysing discourse: Textual analysis for social research*. Psychology Press.

Laclau, E. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices (Vol. 2)*. Sage.

Hall, S., & Jacques, M. (Eds.). (1983). *The politics of Thatcherism (p. 19)*. London: Lawrence and Wishart.

Van Dijk, T. A. (1995, December). *Opinions and ideologies in editorials*. In 4th International Symposium of Critical Discourse Analysis, Language, Social Life and Critical Thought, Athens (pp. 14-16).

Van Leeuwen, T. (1996). *The Representation of Social Actors in Discourse, dalam Caldas-Coulthard, CR, & Coulthard, M.(Eds.), Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*

Representation Manner of Reformists in conservative Discourse

(Case Study: Newspaper Articles of the Keyhan during elections, February 2013)

Mohamad Eskandari-Nasab^{*1}, Hamid-Reza Jalaeipour²

Abstract

Since the beginning of the revolution, in political arena of the Islamic Republic of Iran, two Reformists and Principlists have been struggling to win power. This faction and struggling shows their appearance more campaigning in elections. During the campaign, each political faction in addition to introduce themselves intend to represent another in such a way as to maintain the power relations in self-interest. After the victory of Hassan Rouhani in the 2013 elections, the reformists came back to the country's executive power; On the other hand, the conservative's faction entered the reformist campaign in 2013 to maintain power in the legislature, Reformists who had a diminished presence in the Islamic Consultative Assembly after the sixth parliament. Consequently, the Conservatives faction had been using their power in order to maintain the power relations. One of the most important kinds of these media is Keyhan newspaper, serious and Conservative-oriented media. In this regards during the 2016 elections, the Keyhan focused on the reformist representation and published several articles. Hence, the study was to evaluate and review the reformist manner represented in the Keyhan during the February 2016 elections.

Key words: Representation, Critical Discourse Analysis, Reformists, the February 2016 elections, List of Hope, Keyhan newspaper.

1. Master of Social Science Research, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. Tehran, Iran
2. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. Tehran, Iran